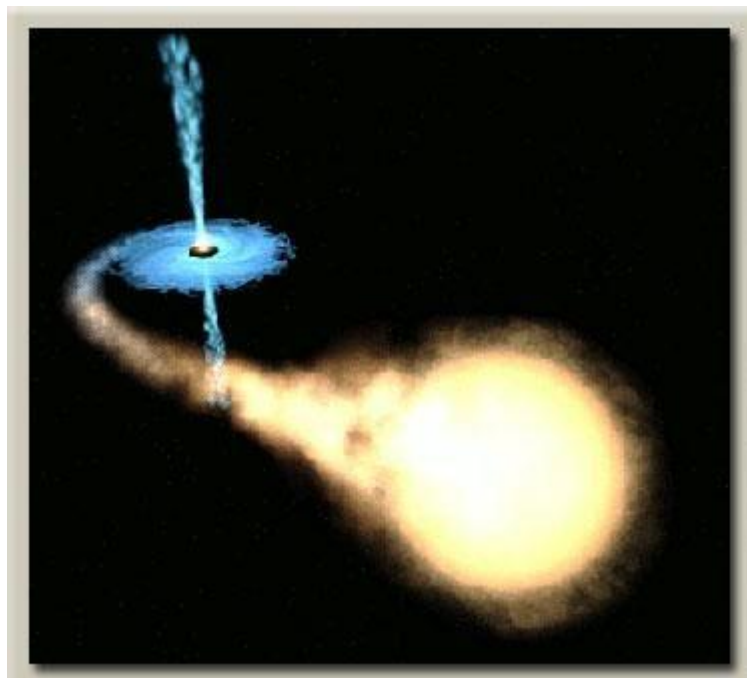


سیاهچاله

" سوگند به ستاره وقتیکه از بالا به گودال فرو می افتد (یا فرو می ریزد)". نجم ۱
والنجم اذا هوی



"هوی" فعل گذشته از مصدر هوی است. "هوی": بمعنی: فرو افتادن یا فرو ریختن از بالای زمین یا از روی زمین به درون زمین است. یعنی افتادن به درون گودال و چاله و چاه و غیره. ("خور" بمعنی: فرو افتادن با سر یا پیشانی است "حط" بمعنی: فرود آمدن یا فرود آوردن یا فرو نهادن است (مانند فرود آمدن هواپیما و پرنده) "هبوط" بمعنی: دچار اشکال و ایراد شدن و از بالا به زمین فرو افتادن یا سرنگون شدن است. برخی اشتباهها از این واژه برای فرود آمدن هواپیما استفاده می کنند. "سقوط" به معنی: فرو افتادن چیز بدرد نخور یا چیز بحال خود رها شده است. مانند: سرنگون شدن یک میوه خراب شده نزول به معنی: پائین آمدن است و انهيار به معنی: فرو ریختن ناشی از پوکی است).

نکته آیه "فرو افتادن یا فرو ریختن ستاره در چاله" است:

وقتی ستاره ای خیلی بزرگ باشد، (بیش از ۱۰۰۰۰۰ برابرزمین باشد) نیروی جاذبه و فشار درستاره نوترونی آنقدر زیاد می شود که نوترونها تحت فشار خرد می شوند و ماده در هم می شود و به چاله تبدیل می شوند. (نوترون ذره بدون بار الکتریکی است که جرم آن تقریباً مساوی پروتون است و در کلیه هسته های اتمی بجز هسته هیدروژن وجود دارد). چاله ها چنان نیروی جاذبه قوی دارند که حتی نور نیز نمی تواند آنها را ترک کند. به این خاطر دیده نمی شوند و سیاهچاله نامیده شده اند، این چاله ها ستارگان اطراف را به طرف خود می مکند یا می بلعند و در خود فرو می برند. و به این شکل به تعبیر قرآن ستاره در چاله سقوط می کند.

(علت اینکه قرآن "مکیده شدن یا بلعیده شدن ستاره توسط چاله سیاه" را "فرو افتادن ستاره در گودال" تعبیر کرده این است که سمت فرو افتادن (یعنی سمت پائین) سمت کشش نیروی جاذبه است، و سمتی که ستاره توسط نیروی جاذبه چاله سیاه کشیده می شود نیز

همان سمت پائین می شود. به این دلیل "مکیده شدن ستاره" توسط چاله سیاه را "فرو افتادن یا فرو ریختن ستاره در چاله" نامیده است).
 " نه به خورشید و نه به ماه هیچکدام سجده نکنید، بلکه به خدائی سجده کنید که آنها را (یعنی: ماهها و خورشیدها را) آفرید"
 خورشیدها و ماهها وجود دارد!
 در زبان عربی "ضمیر" برای مفرد (یکی) و برای مثنی (دوتا) و برای جمع (سه تا و بالاتر از آن) صرف می شود. آیه از ماه و خورشید که دوتا هستند صحبت می کند ولی بجای ضمیر دوتائی مناسب آنها که "هما" به معنی "آندو" باشد، ضمیر جمع "هن" به معنی "آنها" بکار برده است. یعنی می گوید: به خدائی سجده کنید که خورشیدها و ماهها را آفرید.
 در زمان صدر اسلام تا پیش از اختراع تلسکوپ کسی خورشیدی و ماهی غیر ماه و خورشیدی که می بینیم را نمی شناخت. از زمان اختراع و بکارگیری تلسکوپ (هزار سال پس از محمد) تا کنون (در منظومه شمسی) دهها ماه کشف شده است.

سیاه چاله های نترونی در قرآن



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

سوگند به آسمان و کوبنده شب. (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

و تو نمی دانی کوبنده شب چیست؟! (۲)

النَّجْمِ الثَّاقِبِ (۳)

همان ستاره درخشان و شکافته تاریکیها. (۳)

سوره ی : الطارق

در عربی "ثقب" به معنای چاله و "ثاقب" به معنای چیزی است که چاله را ایجاد می کند. نسبت عام پیش بینی می کند که سیاه چاله ها از ستاره های نوترونی بوجود می آیند... سیاه چاله ها و ستاره های نوترونی:

سوره ی ۸۶ (طارق): آیات ۱ تا ۳:

"سوگند به آسمان و کوبنده ی شب! و تو نمی دانی کوبنده ی شب چیست. همان ستاره ی ثاقب است!"

در عربی "ثقب" به معنای چاله و "ثاقب" به معنای چیزی است که چاله را ایجاد می کند. نسبت عام پیش بینی می کند که سیاه چاله ها از ستاره های نوترونی بوجود می آیند. ستاره های نوترونی اکثراً قابل رویت نیستند و تنها با امواج رادیویی (پالس ها) رصد می شوند. امواج دریافتی از این ستاره ها طوری به نظر می رسد که کسی به جایی می کوید! (ستاره ی کوبنده). باور ندارید؟ گوش کنید!

قرآن در آسمان ستاره ای کوبنده را معرفی می کند که ثاقب است. (چاله ایجاد می کند).

کلام واضح قرآن در این مورد جایی برای شک نمی گذارد